



## بررسی تطبیقی اصلاحات مالیاتی خسرو انوشیروان در شاهنامه و منابع کلاسیک اسلامی با تأکید بر شاهنامه شاه طهماسبی

پریسا بهادرپور<sup>۱</sup>، احمد کامرانی فر<sup>۲</sup>، فریناز هوشیار<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، p.bahadorpour@gmail.com

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، ahmadkamranifar۱۴@gmail.com

<sup>۳</sup> گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، Azizeshmidian@gmail.com

### چکیده

شاهنامه فردوسی میراث گران‌بهایی از تاریخ عصر باستان است که سراینده آن با حفظ امانت‌داری رویدادهای آن دوره را با جزئیات به نظم کشیده است. فردوسی در آن اثر از سیاست‌ها و رخداد‌های خسرو یکم - که کمال مطلوب دانش شاهی به‌شمار می‌رود، به‌طور مفصل سخن رانده است. روایت‌های او از اصلاحات مالیاتی خسرو انوشیروان (۵۷۹ - ۵۳۱) مانند گزارش‌های متون کلاسیک اسلامی بسیار ارزشمند است و بسیاری از داده‌های آن متون در مورد اصلاحات مالیاتی انوشیروان در شاهنامه وجود دارد و برخی داده‌ها را تنها فردوسی روایت کرده است. هدف این پژوهش بررسی ارزش داده‌ها و جزئیات تاریخی شاهنامه در مورد اصلاحات مالیاتی انوشیروان و سنجش تطبیقی آن با سایر متون کلاسیک اسلامی و بیان همانندی‌ها و تفاوت‌های روایات آن‌ها با تأکید بر شاهنامه شاه طهماسب می‌باشد که با استفاده از روش کتابخانه‌ای به‌صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است. فردوسی با دقت به اصلاحات مالیاتی خسرو یکم پرداخته و اطلاعات منحصر به فردی از نرخ‌های مالیاتی، رسم سه قسط، روش ابلاغ اصلاحات و... می‌دهد و بر بعضی متون کلاسیک اسلامی رجحان دارد و گاهی نیز از مباحثی چون تأسیس دیوان جدید سخن نمی‌گوید.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی اصلاحات مالی خسرو انوشیروان در شاهنامه فردوسی و منابع کلاسیک اسلامی.

۲. بررسی اصلاحات مالی خسرو انوشیروان در شاهنامه شاه طهماسبی.

### سوالات پژوهش:

۱. اصلاحات مالی خسرو انوشیروان چه بازتابی در شاهنامه فردوسی و منابع کلاسیک اسلامی داشته است؟

۲. اصلاحات مالی خسرو انوشیروان در شاهنامه شاه طهماسبی چگونه منعکس شده است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۱۶۸ الی ۱۸۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۹

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

### کلمات کلیدی

شاهنامه فردوسی،

متون اسلامی،

ساسانیان،

خسرو انوشیروان،

اصلاحات مالیاتی.

### ارجاع به این مقاله

بهادرپور، پریسا، کامرانی فر، احمد،

هوشیار، فریناز، (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی

اصلاحات مالیاتی خسرو انوشیروان در

شاهنامه و منابع کلاسیک اسلامی (با تأکید

بر شاهنامه شاه طهماسب). مطالعات هنر

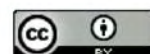
اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۱۶۸-۱۸۷.



[dori.net/dor/20.1001.1  
1735708.1402.20.49.21](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.21)



[dx.doi.org/10.22034/IAS  
.2021.258020.1443](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.258020.1443)



## مقدمه

چهارمین و آخرین سلسله‌ای که فردوسی در شاهنامه توصیف می‌کند، ساسانیان است. او شاهان خوب را می‌ستاید و شرایطی چون: دادگری، خرد، بخشندگی، آبادگری و ... را برای آنان بیان کرده است. وی از انوشیروان به‌عنوان نماینده داد نام می‌برد و به همین سبب او را شاهی خردمند می‌داند. انوشیروان نظم و عدالت را در کنار سایر اقداماتش در کشور برقرار کرد. بار سنگین خراج را سبک‌تر ساخت؛ فرهنگ را رونق داد و باعث آبادانی کشور و تأمین آسایش مردم شد. شناخت دقیق شاهنامه فردوسی و بررسی محتوایی این اثر که شامل بخش‌های مختلفی چون اسطوره، تاریخ، داستان و افسانه که در مجموع ساختار و قالب شاهنامه بر پایه آن شکل گرفته است، کاری است که نیاز به بررسی درخور و تحلیل مناسب دارد. بنابراین در این جستار روایت‌های تاریخی شاهنامه فردوسی و شاهنامه شاه طهماسب، پیرامون موضوع مورد بحث بررسی و تحلیل و با مهم‌ترین متون تاریخی کلاسیک اسلامی سنجیده خواهد شد.

با این توصیف‌ها در این جستار سعی می‌شود چگونگی همانندی‌ها و تفاوت‌های داده‌های تاریخی فردوسی در شاهنامه‌های مذکور با نوشته‌های کلاسیک اسلامی در خصوص اصلاحات مالیاتی خسرو یکم به‌عنوان سؤال اصلی بررسی شود. حول محور این پژوهش می‌توان سؤالات فرعی را نیز چنین طرح کرد: ۱. انعکاس اصلاحات مالیاتی انوشیروان در زمینه کشاورزی در شاهنامه و منابع کلاسیک اسلامی چگونه است؟ ۲. فردوسی و منابع کلاسیک اسلامی اصلاحات مالیات سرانه را چگونه ارزیابی کرده‌اند؟ ۳. نتایج اجتماعی - اقتصادی اصلاحات مالیاتی انوشیروان در شاهنامه و منابع کلاسیک اسلامی چگونه منعکس شده‌اند؟ ۴. اصلاحات مالیاتی انوشیروان در شاهنامه شاه طهماسب چگونه بازتاب یافته است؟ به‌طور کلی، در سخن‌های فردوسی و مورخان کلاسیک اسلامی، پیرامون موضوع مطرح شده وجوه اشتراک و افتراقی قابل مشاهده است که در بعضی مواقع مطالب تنها در شاهنامه دیده می‌شود. نگرش خردگرایی و عدل‌گرایی فردوسی در خصوص امور مالیاتی انوشیروان در اثر وی نمایان است. او در مورد ایجاد تحول در امور مالیاتی و تأسیس دیوان آن، گزارش‌های مشابهی نسبت به سایر منابع دارد. نمونه‌هایی از اصلاحات انوشیروان در شاهنامه شاه طهماسب به روایت تصویر گزارش شده است. برای داوری بهتر در این باره بایسته و شایسته می‌نماید که به هدف اصلی این پژوهش که همانا ارزیابی، تحلیل و واکاوی ارزشمند و با دقت روایات فردوسی و همچنین شاهنامه شاه طهماسب و مطابقت آن گزارش‌ها با روایات نویسندگان کلاسیک اسلامی است، پرداخته شود و در کنار آن، اهدافی چون: بازتاب اصلاحات و معافیت‌های مالیاتی و ستم‌ستیزی انوشیروان و همچنین تأثیر آن اصلاحات بر آبادانی کشور و میزان درآمد مردم در شاهنامه فردوسی بررسی و با متون کلاسیک اسلامی مطابقت داده شود و همچنین به نمونه‌هایی از آن اصلاحات در شاهنامه شاه طهماسب پرداخته شود. این بررسی متکی بر مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه کار باتوجه‌به ماهیت تاریخی پژوهش کیفی بوده و نگارش آن به‌صورت توصیفی - تحلیلی موضوع مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

اگرچه تاکنون مطالعاتی در مورد انوشیروان انجام گرفته و کتاب‌ها و مقالاتی در مورد او نوشته شده است اما، پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی اصلاحات مالیاتی خسرو انوشیروان در شاهنامه و منابع کلاسیک اسلامی با تأکید بر شاهنامه شاه طهماسب که به زبان فارسی چاپ شده باشد، در دسترس نیست. در مورد تاریخ ساسانیان در شاهنامه و سنجش اثر مذکور با برخی متون تاریخی پژوهش‌های وسیع و ارزشمندی انجام شده است و ارزش داده‌های تاریخی شاهنامه در دوره موردنظر را در کتاب افول و سقوط شاهنشاهی ساسانی اثر پروانه پورشریعتی می‌توان یافت. این کتاب از مهم‌ترین آثار منفرد در ارتقای درک ما از تاریخ ایران است. مشخصاً بارز این اثر وسعت دستور کار نویسنده است که موضوعاتی چون: فروپاشی ساسانیان پیش از حمله بیزانسی‌ها و عرب‌ها، مسائل تاریخ‌نگاری و... را در کلیتی مرکب و معنادار متحد کرده و در بررسی دقیق هر یک از آن‌ها سهمیم بوده است. وی درباره اصلاحات خسرو اول، تنها در سه صفحه پرداخته که اشاره‌ای بسیار کوتاه به اصلاحات مالیاتی آن پادشاه کرده است. تفاوت کار من با کار وی در این است که در پژوهش من به طرح مبتکرانه اصلاحات مالیاتی انوشیروان پرداخته شده و جنبه‌های وضع قوانین جدید مالیاتی و معافیت‌های آن و همچنین نتایج اجتماعی - اقتصادی آن در شاهنامه فردوسی بررسی، تحلیل و واکاوی شده و با منابع تاریخی کلاسیک اسلامی تطبیق داده شده است.

## ۱. اصلاحات مالیات

خسرو یکم با اصلاحاتی که در کشور خود انجام داد، جان تازه‌ای در کالبد امپراتوری خود دمید. بنجامین از این دوران نوزایی و تجدید حیات او به‌عنوان «عصر آوگوستوسی تاریخ پارس» یاد می‌کند (بنجامین، ۱۸۸۸: ۲۳۲). اصلاحات داخلی این شاهنشاه مهم‌تر از تغییرات خارجی او بود که در مرزها به‌وجود آورده بود. اصلاحات مالیاتی خسروانوشروان، در دو بخش کشاورزی و سرانه انجام شده است.

### ۱.۱ مالیات کشاورزی

#### الف) وضع مالیات جدید

یکی از ابعاد اصلاحات مالیاتی انوشروان، مالیات کشاورزی بود. اکثر منابع در مورد مقدار نقدی، که به شکلی معین بر محصولات زراعی بسته می‌شد، به جزئیات آن پرداخته‌اند. فردوسی، اصلاحات وی را ادامه اصلاحات قباد دانسته، به گفته او، قباد به قصد کاهش فاصله طبقاتی و کم کردن سهم پادشاه از مالیات کشاورزی، رسم سه یک یا چار یک را برمی‌اندازد و موقتاً تا انجام اصلاحات مالیاتی رسم ده یک را در کشور برقرار می‌کند. اما این اصلاحات به دلیل مرگ او به پایان نمی‌رسد و باقی کارها به دست انوشروان انجام می‌شود (نک. فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هشتم: ۹۳ و ۹۴). در نهاییه‌الارب چنین آمده: «ابنه انوشیروان امر باستتمام تلک‌المساحه» (نهاییه‌الارب، ۱۳۷۵: ۳۲۸). با این اقدام انوشروان نظام پیمایش (مساحه) جایگزین نظام بهربندی (مقاسمه) شد. یعقوبی، گزارش کلی و کوتاهی از این اصلاحات در بخش کشاورزی که به دو قسمت‌های باغی و زراعی تقسیم می‌شد، داده است. بنابر رسم نوینی که متداول شده بود،



از زمین‌های کشاورزی بر حسب مساحت و با در نظر گرفتن نوع محصول، مالیات ثابت و معینی از هر جریب اخذ می‌کردند که در نتیجه، همه زمین‌ها آباد شده بودند (نک. یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۰۳).

شایان ذکر است که این نوع مالیات‌ها در آن زمان براساس معیارهای مختلفی اخذ می‌شده است. درخصوص آن مورخان گزارش‌های متفاوتی ارائه داده‌اند، نه‌ایه‌الارب چنین آورده است: «در بخش باغداری به‌جای گرفتن سهمی از محصول یا مساحت باغ مالیات را براساس نوع درختان و مشخص کردن مبلغ ثابتی برای هر درخت دریافت می‌نموده‌اند» (نک. نه‌ایه‌الارب، ۱۳۷۵: ۳۲۸). گاهی نیز از باغ‌هایی چون باغ انگور، مالیات بر مبنای مساحت اخذ می‌شده است. به گفته مسکویه و مسعودی، از هر جریب تاکستان هشت درهم مالیات گرفته می‌شده است (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱ / ۱۶۸؛ مسعودی، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۶۲). اکثر مورخان اسلامی، محصولاتی چون: گندم، جو، خرما و زیتون را همراه با نرخشان ذکر کرده‌اند، اما در مواردی هم برخی از مورخان از محصولی چون برنج بدون ذکر قیمت آن نام برده‌اند (شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۶۲ ش ۷۸۶). گزارش فردوسی درخصوص نرخ مالیات و زمینه گستره شمول مالیات بر انواع درختان میوه با برخی منابع مغایر است (شهبازی، ۱۳۹۸: ۱۷۱ و ۵۶۲ ش ۷۸۷؛ نولدکه، ۱۳۸۸: ۲۶۸ پ ۱؛ بنداری، ۱۹۳۲: ۱۲۳ / ۲).

«گزیت رز بارور شش درم به خرماستان بر همین بد رقم» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۴)

از این بیت فردوسی که گزارشی بر نرخ تاکستان و نخلستان است چنین برمی‌آید که در ابتدای اجرای طرح اصلاحات دریافت مالیات‌ها، تفاوتی بین محصولات قایل نبوده‌اند. فردوسی نرخ مالیات همه زمین‌های کشاورزی را چنین گزارش کرده است که در ازای هر جریب یک درهم دریافت می‌کرده‌اند:

«گزیتی نهادند بر یک درم گر ایدونک دهقان نباشد دژم» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۴)

براساس برخی گزارش‌ها تنها از هفت فراورده: گندم، جو، برنج، تاک، شیدر، نخل و زیتون، مالیات گرفته می‌شد (طبری، ۱۳۶۲: ۲ / ۷۰۳؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ۱ / ۱۶۸؛ مسعودی، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۶۲؛ شهبازی، ۱۳۹۸: ۱۷۱ و ۵۶۲ ش ۷۸۷؛ نولدکه، ۱۳۸۸: ۲۶۸). در نه‌ایه‌الارب نیز از این ارقام یاد شده اما مالیات‌گیری به این محدود نشده است و عبارت «غلات سبعة» که طبری، مسکویه و مسعودی به‌کار برده‌اند، به‌کار نرفته است. در واقع نه‌ایه‌الارب گزارش شاهنامه را درباره این که پیش از این هفت مورد و به‌ویژه افزون بر زیتون، انگور و خرما از دیگر درختان میوه و نیز مالیات دریافت می‌شد تأیید می‌کند؛ زیرا هنگام ذکر معافیت مالیاتی خرماستانی که در نخلستان نباشد افزوده است: «خرما یا هر درخت دیگری که در باغ نباشد» (نه‌ایه‌الارب، ۱۳۷۵: ۳۲۹ و ۳۳۰). گزارش‌هایی که شاهنامه در مورد نرخ‌های مالیاتی ارائه می‌دهد گاه با اختلاف اندکی کم‌تر از نرخ‌های برخی منابع کلاسیک اسلامی است. به احتمال زیاد نرخ‌های یاد شده او قدیمی‌ترند و در ادوار بعدی افزایش یافته و از یکدیگر تفکیک شده‌اند. بلعمی افزون بر نام نبردن از محصولات هفت‌گانه و مبلغ مالیات هر یک، اشتباه دیگری نیز در بیان میزان مالیات زمین‌های کشاورزی دارد به‌جای واژه جریب از مترادف آن، واژه «جفت» استفاده کرده است (بلعمی، ۱۳۸۸: ۷۲۵؛ شهبازی، ۱۳۹۳: ۵۶۲ ش ۷۸۸).

## ب) معافیت‌های مالیاتی

گذشته از وضع مالیات‌های جدید، در اصلاحات مالیاتی معافیت‌هایی نیز برای کشاورزان در نظر گرفته شده بود. مهم‌ترین معافیت به رسمیت شناختن آسیب‌های ناشی از بلایای طبیعی یا حمله آفت‌ها به مزارع و محصولات کشاورزی بود (نهایه‌الارب، ۱۳۷۵: ۳۲۹؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰). نماینده شاه موظف بود خسارت‌ها را ارزیابی کند و «هر نقصان که وادید شود، به قدر آن از خراج معاف دارد» (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۹۶). فردوسی، مفصل‌تر گزارش می‌دهد:

«به‌جایی که باشد زیان ملخ و گر باشد زلف خورشید تابد به شیخ  
وگر برف و باد سپهر بلند بدان کشتمندان رساند گزند  
همان گر نیاید به نوروژ نم ز خشکی شود دشت خرم دژم  
مخواهید باژ اندر آن بوم و رست که ابر بهاران به باران نشست! (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۸)

او نه تنها به معافیت مالیاتی کشتزارهای آسیب دیده بلکه حتی به کشاورزان آسیب دیده نیز اشاره دارد و روایت می‌کند که آن‌ها از خزانه دولتی بابت بذرها و زحمات بر باد رفته خود مبالغی دریافت می‌کردند.

«ز تخم پراکنده و مزد رنج ببخشید کارندگان را ز گنج» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۸)

او به معافیت مالیاتی زمین‌های بایر هم اشاره‌ای دارد و می‌نویسد:

«به ناکشته اندر نبودی سخن پراکنده شد رسم های کهن» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۴)

بلعمی نیز می‌گوید: «هر سالی زمین بپیمایند و هر کجا از آن کشت هست آن را خراج نهند و هر کجا ویران است خراج از وی بیفکنند» (بلعمی، ۱۳۸۸: ۷۲۴). گزارش‌های فردوسی در خصوص معافیت مالیاتی درختان بسیار دقیق و منحصر به فرد است. برای مثال: در روزگار انوشروان، درختان میوه را با در نظر گرفتن این که در خردادماه (زودرس) یا مهرماه و مهرگان (دیررس) بار می‌دادند به دو دسته تقسیم کرده بودند و تنها از میوه‌های پاییزی مانند انار مالیات می‌گرفتند و بدین‌سان درختانی مانند: زردآلو و آلبالو از مالیات معاف بودند.

«ز زیتون و از گوز و هر میوه دار که در مهرگان شاخ بودی به بار  
ز ده بن درم یک رسیدی به گنج نبودی جزین نیز تا سال رنج  
و زین خوردنی‌های خردادماه نکردی به بار اندرون کس نگاه» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۴)

این گزارش فردوسی، منافاتی با نتیجه‌گیری شهبازی از گزارش طبری ندارد؛ آن‌جاکه درباره اهمیت معافیت‌ها می‌نویسد: «به این ترتیب محصولات چوب سبزی‌ها، خیار، کنجد و پنبه از مالیات معاف بودند و همین معافیت‌ها باعث تشویق مردم به آباد کردن زمین‌های بایر و به‌دست آوردن منبع درآمد تازه می‌شد» (شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۶۲ ش ۷۸۹). مواردی مانند: درختان میوه‌ای که پراکنده در حاشیه مزرعه‌ها یا جلوی خانه‌ها کاشته می‌شد مالیاتی اخذ نمی‌شد، زیرا این درختان اغلب در دسترس رهگذران بودند و از آن‌ها استفاده‌های عمومی می‌شد و جنبه عام‌المنفعه داشت. طبق

نتیجه‌ای که شهبازی از گزارش طبری گرفته است، خسرو اول فرمان داده بود که کارداران از مردم بیشتر از آنچه در نسخه ممیزی نگاهداری شده در دیوان معین شده بود، خراج نستانند؛ و همچنین اگر دیدند کشت کسی، یا به محصولی گزندی رسیده است، یا به هر دلیلی عیبی کرده است، به همان اندازه از میزان خراج او بکاهند. و نیز فرمود تا گزیت هر کسی که از جهان رفت یا بالای پنجاه رسید ملغی شود. همچنین [داوران] را بفرمود تا جریده‌ای در باب آنانی که از مالیات معاف کرده بودند، به خسرو اول بنگارند تا وی به کارداران خراج آن چه می‌بایست، فرمان دهد. باز آنان را فرمود تا نگذارند کارداران از کسی که به بیست سالگی نرسیده بود، خراج بستانند. (شهبازی، ۱۳۹۸: ۱۷۲). در نتیجه می‌توان گفت که، گزارش‌های شاهنامه در زمینه معافیت‌های مالیاتی نسبت به گزارش‌های منابع کلاسیک اسلامی که اکثراً بر معافیت‌های مالیات سرانه متمرکز هستند بر معافیت‌های کشاورزی توجه بیشتری دارد.

## ۱۲. مالیات سرانه

### الف) وضع مالیات جدید

اصلاحات مالیات سرانه یا گزیت یکی دیگر از ابعاد اصلاحات مالیاتی خسرو اول در زمان سلطنتش بود که هم از جنبه وصول و هم از نظر گستره شمول دچار تغییر و تحولات مهمی شد. بنابه اعتقاد کریستن سن از افراد بیست ساله تا پنجاه سال (به استثناء بزرگان، نجبا، سربازان، روحانیون، دبیران و سایر خدمت‌گزاران دولت) مالیات دریافت می‌شده است که خراج گذاران را بر حسب ثروتشان، (توانگران دوازده درهم، میانه هشت، کمتر شش و سایر رعایا هر یک چهار درهم) تقسیم کرده بودند و از آن‌ها به صورت اقساط سه ماهه مالیات می‌گرفتند. این نوع مالیات‌ها ظاهراً از نوع خراج ارضی و جزیه سرانه بوده است (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۴۸۸). تقسیم سال به سه دوره چهار ماهه دریافت مالیات‌ها در سه بهر و قسط بعد مهمی در آیین نوین مالیات‌گیری محسوب می‌شد که همین خود بیانگر عدل انوشیروان است که فردوسی در ابیات زیر بدان اشاره دارد:

«به هر چار ماهی یکی بهر ازین بخواید با داد و با آفرین (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۸)

«کسی بر کدیور نکردی ستم به سالی به سه بهره بود این درم

گزارنده بردی به دیوان شاه ازین باژ بهری به هر چار ماه» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۵)

پیرامون این مبحث غفوری چنین احتمال می‌دهد که: «رسم سه قسط بیشتر به دریافت مالیات کشاورزی مربوط می‌شده است، زیرا می‌توانست مبالغ بیشتری از منابع مالیات سرانه را دربر بگیرد» (غفوری، ۱۳۹۷: ۸۴).

قبل از دوران فرمانروایی خسروانوشیروان، از همه مردم، و به یک میزان معین مالیات اخذ می‌کردند به غیر از اشراف که از پرداخت آن معاف بودند، اما خسروانوشیروان علاوه بر اشراف از میان بلندرتبگان کشوری و مردم عادی هم گروه‌های بزرگی را از پرداخت مالیات معاف کرد و یک مبلغ ثابت را نیز به چند مبلغ، براساس میزان دارایی افراد، تغییر داد. بدون شک لازمه انجام این اصلاحات بزرگ داشتن آماری دقیق از جمعیت کشور بود. منابع به صراحت بیان

کرده‌اند که در یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های تاریخ جهان باستان، نه تنها زمین‌های کشاورزی ایران پیمایش شد بلکه سرشماری درختان و سرشماری مردم نیز به انجام رسید (نهایه‌الارب، ۱۳۷۵: ۳۲۸؛ طبری، ۱۳۶۲: ۷۰۱/۲ - ۷۰۳؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۱۶۷). بر مبنای همین آمارگیری، ترتیب نوینی جهت دریافت مالیات سرانه تنظیم شد. اکثر منابع بر سر مبالغ جدید این مالیات با یکدیگر هم نظرند با این وجود که تفاوت‌هایی جزئی در نوشته‌های آن‌ها نمایان است. تاریخ بلعمی در این خصوص رقم‌های متفاوتی را نشان می‌دهد به این صورت که، مبلغ چهار درهم که کم‌ترین نرخ مالیات سرانه بود و در همه‌ی منابع تاریخی کلاسیک اسلامی و همچنین شاهنامه فردوسی ذکر شده، در آن اشاره‌ای نشده است. اطلاعات او در زمینه‌ی دریافت مالیات کشاورزی نیز ناقص و مخدوش است. نویسنده نهایه‌الارب نیز همچون طبری چهار گروه را برشمرده است اما تضادی در آن وجود دارد که او علاوه بر چهار مبلغ نام برده‌ی طبری، مبلغ پنج درهم را نیز ذکر کرده است (نهایه‌الارب، ۱۳۵۷: ۳۳۰). مسکویه در این خصوص، چنین می‌نویسد: «گروه دوازده درهم، گروه هشت درهم، گروه شش درهم و گروه چهار درهم، که به توانایی و ناتوانی مرد بسته بود. بر آنان که کم‌تر از بیست یا بیشتر از پنجاه سال داشتند باج نسبتند» (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۱۶۸). به گفته وی: «باج را سالانه در سه بهر بستانند و آن را همداستانی بنامید، یعنی باجی که همه بدان خشنود بودند» (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۱۶۸). نرخ بیشینه در این گزارش نرخی است که در شاهنامه هم گزارش شده است و از نرخ بیشینه سایر منابع (دوازده درهم) کم‌تر است (نک. فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۵).

گفتنی است که، دینوری در گزارش‌های خود گروه‌بندی‌های چهارگانه را ذکر کرده اما از مبالغ مالیات سرانه (جزیه/گزیت) یادی نکرده است (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰). روی هم رفته گروه‌بندی و نرخ‌گذاری پلکانی جهت رعایت حال طبقه فرودست جامعه آن روزگار بود؛ به طوری که از توانگران بیشتر از تهیدستان مالیات گرفته شود اما ظاهر امر چیز دیگری را نشان داد که طرح این نقشه با عمل متفاوت بوده است. به اعتقاد شهبازی، انوشیروان در هنگام عمل به این برنامه با مشکلاتی برخورد که ناگزیر به تغییراتی در روش اخذ مالیات‌ها شد (شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۶۳ ش ۷۹۲).

#### ب) معافیت‌های مالیات

براساس گزارش‌های منابع مختلف، برای مالیات سرانه معافیت‌های گسترده و دقیقی در نظر گرفته شده بود. طبق گزارش طبری، اشراف و اعضای خاندان‌های هفت گانه از پرداخت مالیات سرانه معاف بودند (طبری، ۱۳۶۲: ۷۰۳/۲). در تاریخ طبری و همچنین نهایه‌الارب تمامی سپاهیان و جنگ‌آوران از مالیات سرانه معاف بودند (طبری، ۱۳۶۲: ۷۰۳؛ نهایه‌الارب، ۱۳۵۷: ۳۳۰). دینوری ادعا دارد که فقط مرزبانان و اسواران از این معافیت برخوردار بوده‌اند، او می‌نویسد: «المرازیبه و الأساوره» (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰). شاپان ذکر است که، موبدان و هیربدان زردشتی و همچنین دبیران و همه کسانی که در مراکز سلطنتی به خدمت مشغول بودند از این معافیت‌های مالیاتی برخوردار بودند و تمامی منابع کلاسیک اسلامی از جمله: طبری، دینوری، مسکویه و ... بر سر این موضوع توافق دارند (طبری، ۱۳۶۲: ۷۰۳/۲؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۱۶۸). علاوه بر معافیت‌های طبقاتی که ذکر آن رفت، معافیت‌های گسترده‌ای



هم برای عموم مردم در نظر گرفته شده بود که همه زنان (بلعمی، ۱۳۸۸: ۷۲۵؛ قمی، ۱۳۸۵: ۱۷۹) و مردان بالای پنجاه سال و پایین بیست سال از پرداخت این مالیات معاف بودند (نهایه‌الارب، ۱۳۵۷: ۳۳۰).

از دیدگاه نویسندگان نهایه‌الارب، همه مسیحیان و یهودیان ملزم به پرداخت مالیات سرانه بودند... به عبارتی هر شخصی که دینش با دین شاه یکی نبود مشمول این نوع مالیات می‌شد (نهایه‌الارب، ۱۳۵۷: ۳۳۰). بدون شک این متن معافیت مالیاتی در عصر خلافت تحریف شده است؛ زیرا این عملکرد خلفا، توجیه آنان برگرفتن جزیه از زردشتیان ایرانیان را می‌رساند. به این دلیل که مطلب مذکور در تاریخ طبری که معافیت‌ها را مفصل گزارش کرده، نیامده است. از سویی نیز به‌خوبی روشن است که گزیت در دوره ساسانی بر مبنای سرانه خانوارها دریافت می‌شده و هیچ موضوعیتی در خصوص تبعیض دینی نداشته و در دوره‌های بعد زیر نظر خلفای اموی و عباسی با فشار بر ایرانیان «جزیه» درون‌مایه‌ای دینی یافته است. ویدنگرن، با وجود این که خود در خصوص سیاست خسرو یکم ادعا دارد که دیدگاه او در مورد یهودیان تا حدی خیرخواهانه بوده است، اما باز برای این گفته‌های نهایه‌الارب ارزش بسیاری قائل است (ویدن گرن، ۱۹۶۱: ۱۴۷ و ۱۵۲ - ۱۵۳).

مطلب دیگری که در منابع دیگر ذکر نشده اما نهایه‌الارب در گزارش خود به آن اشاره کرده، وضعیت کشاورزان است که از مالیات سرانه برخوردار ولی بازرگانان از پرداخت آن معاف بودند (نهایه‌الارب، ۱۳۵۷: ۳۳۰). از روایت فردوسی در شاهنامه چنین استنباط می‌شود که، کشاورزان مالیات کشاورزی پرداخت می‌کردند و گزیت برای غیر بود:

«کسی کش درم بود و دهقان نبود  
 ندیدی غم و رنج کشت و درود  
 بر اندازه از ده درم تا چهار  
 به سالی ازو بستندی کاردار» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۴ - ۹۵)

طبق گفته غفوری: «روشن است که آنچه شاهنامه گفته از سخن نهایه‌الارب منطقی‌تر است و واقع‌بینانه به نظر می‌رسد، زیرا هرچند درباره مشمول یا معافیت‌های بازرگانان از مالیات‌ها اطلاع چندانی در دست نیست اما احتمالاً اصلاحات خسروانوشیروان در زمینه باج‌های قانونی که بازرگانان از دیرباز در مرزها و شهرهای مرزی براساس هر چارپا یا ارزش محموله خود می‌پرداختند، تغییراتی نداده بود» (غفوری، ۱۳۹۷: ۷۷). نهایه‌الارب درباره مالیات ساکنین مرزی مدعیست که، این افراد مشمول معافیت مالیات سرانه بودند (نک. نهایه‌الارب، ۱۳۵۷: ۳۳۰). وی اشاره کم‌رنگی نیز به معافیت مالی تهیدستان و معلولان دارد (همان). همچنان که دینوری بی‌نویان و مردم بیمار زمین‌گیر را از هر دو گونه مالیات کشاورزی و سرانه معاف معرفی کرده است (نک. دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰). گفتنی است که گزارش فردوسی در مورد نسخه‌های مالیاتی و محل نگهداری آن‌ها با سایر منابع تاریخی کلاسیک اسلامی همخوانی دارد و تنها گزارش اوست که به محل دقیق نگهداری نسخه اصلی اشاره شده است. طبق گزارش او این نسخه به دیوان پایتخت و به خزانه اسناد، و زیر نظر گنجور (سرپرست خزانه) و دستور (وزیر) سپرده شده بود.



«گزیت و خراج آنچ بد نام برد به سه روزنامه به موبد سپرد یکی آنک بر دست گنجور بود نگهبان آن نامه دستور بود» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۵)

فردوسی از ارسال نسخه‌ی دیگر برای کارگزاران مالیاتی در سراسر کشور سخن رانده است که گزارش او با سایر منابع کلاسیک اسلامی همخوانی دارد اما تنها تفاوت در استعمال لغات است و فردوسی از عبارت کاردان استفاده کرده است.

«دگر تا فرستد به هر کشوری به هر کرداری و هر مهتری» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۵)

فردوسی از ارسال نامه خسروانوشیروان به «کارداران مالیاتی» اشاره کرده است که در سایر منابع گفته نشده است.

«یکی نامه فرمود بر پهلوی پسند آیدت چون زمن بشنوی نخستین سر نامه بود از مهست شهنشاہ کسری یزدان پرست» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۶)

درباره نسخه سوم فردوسی چنین می‌گوید:

«سدیگر که نزدیک موبد برند گزیت و سر باژها بشمرند» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۵)

براساس برخی نوشته‌ها مانند: طبری، دینوری، نهاییه‌الارب و ... نسخه سوم به دادوران نواحی مختلف ارسال می‌شده است تا بر کاردان مالیاتی نظارت داشته باشند که به بهترین شکل ممکن و بدون خطا دستورات را کامل انجام دهند (طبری، ۱۳۶۲: ۱۲/۷۰۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰؛ نهاییه‌الارب، ۱۳۷۵: ۳۳۰). در گزارش شاهنامه کلمه موبد به جای دادور به کار رفته است، چون در مواردی کار قضاوت برعهده روحانیون دینی بوده است (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۲۷۵).

گزارش فردوسی درباره‌ی اصلاحات مالیاتی از اطلاعات منحصر به فردی برخوردار است که با شواهد تاریخی کاملاً عینیت دارد و بیانگر بهره‌وری فردوسی از یک منبع اصیل و مطمئن است. دلایلی برای اثبات این موضوع وجود دارد، یکی از آن‌ها، سبک آغاز آن نامه یادآور سبک نامه‌ای است که طبری از انوشیروان نقل کرده است و شهبازی در این خصوص می‌گوید: «تنها طبری این نامه را که بسیار اصیل می‌نماید و حتی سبک منشیان دیوان ساسانی را نگاه داشته، آورده است (شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۲۶ ش ۶۴۰). نولدکه نیز در مورد آن سبک می‌گوید: «سبک اسطردی، خطایی و اخلاقی منابع پهلوی ... که در سال ۵۳۱ م نیز در دیوان شاهنشاهی معمول بوده است» (نولدکه، ۱۳۸۸: ۱۸۴ پ ۲). اصلاحات و ابتکارات انوشیروان سبب افزایش درآمد و ترمیم شالوده کشاورزی شاهنشاهی ساسانی شد.

مطالبی که در سطور قبل ذکر آن رفت، شاهد محکمی بر وجود دیوان جدیدی است که در دوره زمامداری انوشیروان از روی خرد وی برای اجرای عدالت در کشور تأسیس شده و وظیفه آن اجرای رسم جدید خراج‌گیری بود. همه منابع بر وجود این نهاد و نام او که از دو واژه تشکیل شده بود در توافقت و جزء اول آن را سرا نوشته‌اند. اما در مورد جزء دوم با وجود همسخن بودن در ریشه ایرانی این اصطلاح باز در وجه تسمیه آن با یکدیگر اختلاف دارند. برای نمونه اصطلاح سرای سمره که به معنای «اقساط سه گانه» است و معنای گوناگونی از آن متبادر می‌شود. شهبازی رابطه

این مکان را با دیوان مشخص نکرده است. او تنها آن را دیوانی معرفی کرده است که در آن مالیات به سه موعده دریافت می‌شده است و وظیفه آن بررسی و تثبیت همین مالیات‌ها بوده است (شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۶۳ ش ۷۹۴).

برای اثبات وجود چنین دیوانی دلایلی چند وجود دارد. به‌طور مختصر گفته می‌شود که وجود اصطلاح «کارداران» نامۀ ابلاغ اصلاحات در شاهنامه است که خود دال بر بودن شعبه‌هایی از اداره‌ها در شهرستان‌های کشور که با رسمی جدید به دریافت مالیات‌ها می‌پرداختند. طبری نیز اصطلاح «عمال خراج» را به کار برده است (طبری، ۱۳۶۲: ۷۰۳/۲). در نهایه‌الارباب به ارسال نسخه‌ای از آیین‌نامه‌های جدید مالیاتی برای کارگزاران دولت در سراسر کشور اشاره شده است که خود بیان‌گر تأسیس دیوانی جدید بوده است و این‌جا شاید بتوان مدعی شد که دیوان خراج به‌صورت قدیم به قوه خود پابرجا بوده است و دیوان سه مره با شعبه‌هایش در زمینه اجرای اصلاح مالیاتی، وظایفی چون محاسبه، قسط‌بندی و گردآوری مالیات‌ها را برعهده داشته و سهمی از منابع اخذ شده را به دیوان خراج و پایتخت منتقل کرده است.

## ۲. پیوند اصلاحات مالیاتی و عدل‌گرایی در نگاه فردوسی

درباره نگرش خردگرایی و عدل‌گرایی و دقت فردوسی نسبت به امور مالیاتی می‌توان به نمونه‌ای از سخنان او در خصوص نمایندگان ابلاغ آیین‌نامه مالیاتی اشاره کرد. آنجا که می‌گوید:

«بد و نیک با کارداران بدی جهان پیش اسپ سواران بدی» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۹)

در این اشعار گزارش فردوسی با نویسندگان کلاسیک اسلامی در خصوص فرستادن کارداران مالیاتی جدید به سراسر کشور برای جلوگیری از فساد موجود در نظام پیشین مالیاتی در نتیجه همدستی کارداران مالیاتی سابق و نظامیان عالی رتبه، همخوانی دارد. بلعمی از فرستادن کارداران مالیاتی جدید به همه‌جای کشور خبر داده است (بلعمی، ۱۳۸۸: ۷۲۷). برخی از مورخان نیز از نماینده‌ی امین شاه در هر شهرستان یاد کرده‌اند (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۱۷۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰؛ نهایه‌الارباب، ۱۳۵۷: ۳۲۹). شایان تأمل است که، این نمایندگان معتمد، دارای قدرت و اختیارات ویژه‌ای در دفاع از حقوق تهیدستان بودند (نک. گوبل، ۱۹۷۶: ۹۱؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۳: ۵۴۲).

فردوسی انوشیروان را مظهر دادگری می‌داند. ریاحی زندان شدن بوذرجمهر و کور شدن او در زندان، قتل بی‌جای مه‌بود وزیر و فرزندش و همچنین کشتار مزدکیان به تحریک موبدان را نمونه‌هایی از بیدادگری‌های خسرو یکم در طول فرمانروایی خودکامه او می‌داند (ریاحی، ۱۳۹۷: ۲۱۴)؛ بنابراین کاملاً مشخص است که پادشاهی چون خسرو انوشیروان با رفتار عادلانه‌اش سزاوار چنین ستایشی از ناحیه فردوسی شده است. برای اثبات این گفته، بحث دیگری که در اینجا ضروری است تأکید ویژه فردوسی بر قسط‌بندی سه‌گانه در مالیات‌ها است. آن‌گونه که وی می‌سراید:

«همین نامه و رسم بنهید پیش مگردید ازین فرخ آیین خویش  
به هر چار ماهی یکی بهر ازاین بخواهید با داد و با آفرین» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۸)

فردوسی درباره فرمان خسرو یکم به کارداران مالیاتی جهت بایر نماندن زمین‌های بی‌وارث و هشدار به مشخص نمودن پیشکار برای اداره این اراضی با هزینه دولت چنین آورده است:

«زمینی که او را خداوند نیست  
بمرد و و را خویش و پیوند نیست  
نباید که آن بوم ویران بود  
که در سایه‌ی شاه ایران بود  
که بدخواه بر گنج ننگ آورد  
که چونین بهانه به چنگ آورد  
زگنج آنچ باید مدارید باز  
که کرده ست یزدان مرا بی‌نیاز  
که ویران بود بوم در بر من  
نتابد بر او سایه‌ی فر من  
کسی را که باشد برین پایکار  
اگر گیرد این کار دشوار خوار  
کنم زنده بر دار جایی که هست  
اگر سرفرازست و گر زبردست!» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۸-۹۹)

در نامه انوشیروان معایب آیین مالیاتی شاهان پیشین با نکوهش ذکر شده است. ابیات زیر گویای ستم‌های مالیاتی فرمانروایان پیش از انوشیروان و همدستی کارداران مالیاتی با سپاهیان عالی رتبه آن دوران و همچنین دادگری انوشیروان است.

«بزرگان که شاهان پیشین بدند  
ازین کار بر دیگر آیین بدند  
بد و نیک با کارداران بدی  
جهان پیش اسپ سواران بدی  
خرد را همی خیره بفریفتند  
به افزونی گنج نشکيفتند  
مرا گنج دادست و دهقان سپاه  
نخواهم به دینار کردن نگاه  
شما را جهان بازجستن به داد  
نگه داشتن ارج مرد نژاد  
گرامی تر از جنگ بدخواه من  
که جوید همی کشور و گاه من  
سپهد که مردم فروشد به زر  
نباید بدین بارگه با کمر  
کسی را کند ارج این بارگاه  
که با داد و مهرست و با رسم و راه» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۹)

فردوسی در مورد هشدارهای شاه به ماموران مالیاتی در اخذ بیش از حد مبالغ نیز چنین می‌نویسد:

«چن این نامه آرند نزد شما  
که فرخنده باد اورمزد شما  
کسی کو برین یک درم بگذرد  
به بیدادبر یک نفس بشمرد  
به یزدان که او داد دیهیم و فر  
که من خود میانش ببرم به ار» (فردوسی، ۱۳۹۶، دفتر هفتم: ۹۷-۹۸)



سراسر شاهنامه درس انسانیت و اخلاق و فضیلت است. آن جا که از زبان خود انوشیروان سروده شده است دبیرسیاقی می‌نویسد: «که در بارگاه ما کسی محترم است که با داد و راستی باشد. کارداران باید نزد موبد آیند تا اگر کژی در حسابشان باشد روشن گردد و آنکه به راه یزدان رفته است ارج ببیند و آنکه کژی گرفته است به کیفر برسد» (دبیرسیاقی، ۱۳۹۶: ۳۸۶). فردوسی در خصوص دادگری و ستم‌ستیزی، خردگرایی و... انوشیروان ابیات فراوانی آورده است. او نخستین شرط پادشاهی و لازم‌ترین صفت برای پادشاه را داد می‌داند و این صفت را به‌خوبی برای انوشیروان توصیف کرده است و چنین می‌سراید:

«همه روی گیتی پر از داد کرد به هر جای ویرانی آباد کرد» (فردوسی، دفتر هشتم، ۱۳۹۶: ۹۵)

گفتنی است، به دلیل ویژگی‌هایی که در شیوه حکمرانی خسرو یکم وجود داشته است، در تاریخ فرهنگ و ادب ایران و بسیاری از منابع پهلوی، فارسی و عربی او به شاهی دادگر مشهور و معروف است. آیدنلو آن ویژگی‌ها را برمی‌شمارد و می‌نویسد: «اصلاح نظام مالیاتی در هنگام او، پیروزی‌های خسرو در نبردها و افزون بر ثبات و آرامش داخلی و اقتدار بیرونی ایران، ایجاد آبادانی‌های دگرگون در کشور، افزایش ثروت مردم در دوره او و رونق یابی بازرگانی داخلی و خارجی، توفیق بیشتر انوشیروان در نابودی نظام ملوک‌الطوایفی و به‌وجود آوردن قدرت واحد مرکزی، شکوفایی دانش و فلسفه و ادبیات و هنر در آن عهد و ... بر این اساس و باتوجه به روش حکومت در گذشته و با معیارهای زندگی آن دوران، انوشیروان در قیاس با شهریاران دیگر ایران دادگر تلقی می‌شده است» (آیدنلو، ۱۳۹۴: ۹۴۷، ش ۶۹۹۲)

متون تاریخی کلاسیک اسلامی نیز درباره شخصیت و دادگری خسرو یکم مطالب فراوانی گفته‌اند (نک. مقدسی، ۱۳۷۴: ۱۹؛ طبری، ۱۳۶۲: ۱/۲؛ مسعودی، ۱۳۸۷: ۱/۲۶۲) فرای می‌نویسد: «اعراب همه پادشاهان ساسانی را کسری می‌خواندند که با فر شکوه و بزرگی مترادف بود، همچنان‌که سزار (قیصر) نام همه فرمانروایان روم شد» (فرای، ۱۳۴۴: ۳۶۰). آن‌طور که مشخص است تنها خوی زشت او بدگمانی و سوءظن وی نسبت به اطرافیان بود، چنان‌که مسکویه نیز بدان اشاره کرده است و در این‌باره می‌نویسد: «قباد از نزدیکان خسرو درباره زشتی‌ها و زیبایی‌های او پرسیده بود، و آن‌ها گفته بودند که تنها زشتی خسرو بدگمانی درباره مردم است!» (مسکویه، ۱۳۶۹: ۲۷۳ - ۲۷۴). پروکوپئوس درباره او چنین می‌گوید: «خسرو یک طرز فکری عجیب داشت و بی‌اندازه نوگرا و بدعت‌گزار به‌شمار می‌آمد. رفتار او سوء ظن دیگران را نسبت به خودشان جلب می‌کرد و نوعی بدگمانی نسبت به او در گمان مردمان وجود داشت» (پروکوپئوس، ۱۳۶۵: ۱۰۶). نولدکه می‌گوید: «به‌طور کلی خسرو یکی از باکفایت‌ترین و بهترین پادشاهان ایران بوده است و این معنی مبیانت ندارد با اینکه گاهی هم بی‌رحم و خونخوار بوده است و اعتنایی به حقیقت نمی‌کرده است؛ چنان‌که گاهی بهترین ایرانیان هم دچار این خصلت بوده‌اند» (نولدکه، ۱۳۸۸: ۱۹۲). به‌طور کلی نویسندگان درباره شخصیت خسرو انوشیروان هیچ اختلافی با یکدیگر هم عقیده‌اند. روی هم رفته، دوران فرمانروایی وی از نظم خاصی برخوردار بوده و قوانین اداری، لشکری و حکومتی به بهترین نحو ممکن اجرا می‌شده است. آنچه در مورد دادگری انوشیروان، فردوسی و مورخان کلاسیک اسلامی بیان کرده‌اند همانندی‌های بسیاری وجود دارد، شاید دلیل

این امر وجود منابع مشترک آن‌ها خصوصاً خدای نامه‌ها باشد که برخی جمع‌آوری آن را به دوران سلطنت خسرو انوشیروان نسبت داده‌اند.

### ۳. بازتاب اصلاحات انوشیروان در شاهنامه شاه طهماسبی با تأثر از فردوسی

در عصر اسلامی و تحت تأثیر تعالیم اسلام، رویکردهای صوفی‌گرایانه و عارفانه‌ای بر سرزمین ایران پدیدار گشت. این رویکردها در تمامی جنبه‌ها از جمله: ادبیات و هنر، موجب گرایش و تمرکز هنرمندان به سمت و سوی - اگرچه مواد و ابزار مادی داشتند - عالمی معنوی و فرازمینی شد. شاهان سلسله‌های ایرانی عصر اسلامی، به‌ویژه صفوی، علاقه وافری به جاودانه کردن جنگاوری و فتوحات خود داشتند. از این جهت آنان هنرمندانی را که در خلق آثاری که افتخاراتشان را به تصویر می‌کشیدند، حمایت کردند.

به گفته هلین برنند: «این اقدامات مناسب‌ترین موقعیت برای بیان اقتدار شاهانه در سطوح دوگانه شجاعت قهرمانانه و مهارت شاعرانه شده و اثر فردوسی محملی برای اقتدار شاهانه بود». (هلین برنند، ۱۳۸۸: ۲۱). پس می‌توان گفت: آن شاهان دارای منش و سیاستی دوگانه بودند: از سویی به آیین اسلامی پایبند بودند و از سویی دیگر، با تفاخر به شاهان ایران باستان، خود را به آن‌ها منسوب می‌کردند. از این رو شاهنامه فردوسی به دلیل آگاه بودن از پیشینه فرهنگی - مذهبی ایران باستان و همچنین آشنا بودن به فرهنگ و آیین ایران اسلامی، به‌عنوان بهترین گزینه مرجع و منبع الهام هنرمندان ایرانی در نظر گرفته می‌شد. شاهنامه شاه طهماسب یا هوتون، متعلق به سده دهم هجری، یکی از شاخص‌ترین و باشکوه‌ترین نسخه‌نگاری‌های ایرانی بود که در چنین بستری پدید آمد. به قول آدامووا: «معرفیت منظوم [هنرهای دربار] در ادوار مختلف است» (آدامووا، ۱۳۸۳: ۲۰). به‌طور کلی برخی از ویژگی‌های سبکی و مضامین شاهنامه شاه طهماسب را می‌توان چنین برشمرد:

۱. ارائه بی‌همتای تصاویری با محتوی و قالب در ساخت و پرداخت کل نگاره‌ها و با مضامین اصلی داستان‌های فردوسی.

۲. پیوند اسطوره داستان‌های خیالی شاهنامه با زمان‌ها و مکان‌های واقعی.

۳. شخصیت‌پردازی به‌وسیله ایجاد تمایز با رنگ و نقش در صحنه‌های نگاره به‌گونه‌ای که موضوع اصلی و قهرمانان نقاشی در صحنه مشخص گردیده‌اند.

۴. طبیعت‌گرایی و واقع‌گرایی در ارائه چهره‌ها، لباس‌ها، رنگ‌ها، گل‌ها و ... همه‌ی این‌ها در بسیاری از تصاویر حقیقی و واقعی می‌نماید و گویی نقبی از درون تاریخ به زمان هنرمند زده شده و با دقتی شگرف ارائه شده است.

۵. تطبیق داستان‌ها با تصویرسازی و عدم دخالت نقاشی در تغییر ماهوی داستان و رعایت کردن جوهر داستان طراوت، شادابی، استواری و صلابت، زیبایی‌ها بسیاری دیگر از مضامینی که در داستان‌های فردوسی وجود دارد، که توسط این هنرمندان متبحر به تصویر کشیده شده است.

## الف) بهسازی نوشیروان

خسرو نوشیروان به دلیل بهسازی به‌ویژه در سیستم مالیات، بسیار مشهور است. نوشیروان نامه‌ای را برای نمایندگان خود، به کاتب امر می‌کند موضوع آن، تشریح سیستم جدید و همچنین تنظیم رفتار به صورت: پرهیزکاری، و پشتکار بسیار در اجرای وظایف است. این امر در شاهنامه شاه طهماسب، با روایت تصویر و ابیات فردوسی، به‌خوبی نمایان است (نک. فردوسی، ۱۳۹۶: دفتر هفتم، ۹۴-۹۶/۹۲-۱۰۸).

## ب) داستان آوردن شطرنج در شاهنامه شاه طهماسب

آن‌طور که در شاهنامه مشخص است، نوشیروان در انجام امور اصلاحاتی خویش از نظریه دانشمندان هندی صلاح می‌گرفته و بهره می‌برده است. در همین دوره است که شطرنج در کنار کلیله و دمنه و سایر ارمغان‌ها از هند به ایران فرستاده می‌شود و هدف از آن نوعی آزمایش دانشمندان ایرانی است. در مذاکرات بین ایران و هند در باب پرداخت خراج از ایران، پادشاه هند، پادشاه ایران را به رقابتی فرامی‌خواند، که اگر شاه بتواند با وسایل فرستاده شده قوانین بازی را به‌درستی بسنجد؛ پادشاه هند پرداخت خراج را برعهده گیرد و در غیر این صورت ایران مجبور به پرداخت است. بالاخره بوذرجمهر وزیر خردمند نوشیروان با مهارت خود را نشان می‌دهد و در این آزمایشات پیروز می‌شود. وی حتی به دانشمندان هندی نیز چیزهایی که آنان از آن بی‌خبر بودند، می‌آموزد. شاهنامه شاه طهماسب این داستان را به روایت تصویر شرح داده است (نک. ویلیج، ۱۹۷۲: ۱۸۱-۱۸۳).



تصویر ۱: نگاره دربار و دانشمندان هندی، شاهنامه شاه طهماسبی، دوره صفوی، قرن دهم ه.ق/ مکتب تبریز دوم





**تصویر ۲.** نگاره فرستادگان هندی، شاهنامه شاه طهماسبی، دوره صفوی، قرن دهم ه.ق/ مکتب تبریز دوم

ابیاتی از فردوسی در مورد هدایایی که فرستاده «رای» هند به دربار ایران می‌آورد، در آن تصویر دیده می‌شود (نک. فردوسی، ۱۳۹۶: دفتر هفتم، ۳۰۵/ ۲۶۷۶-۲۶۸۰).



**تصویر ۳.** نگاره روابط ایران و هند، شاهنامه شاه طهماسبی، دوره صفوی، قرن دهم ه.ق/ مکتب تبریز دوم

در تصویری به روابط ایران و هند در دوره شاه طهماسب و اکبر شاه اشاره شده است. شاه طهماسب، سفیران هند را با هدایا بار می‌دهد. ابیاتی از فردوسی نوشته شده است (نک. فردوسی، ۱۳۹۶: دفتر هفتم، ۳۰۹-۳۱۰). شاه طهماسب در مجلسی با بزرگان در گفتمان است. بالای تصویر ابیاتی از فردوسی، در بخش گفتار اندر لشکر کشیدن نوشین روان به جنگ خاقان چین (نک. فردوسی، ۱۳۹۶: دفتر هفتم، ۲۴۹-۲۵۰).





تصویر ۴. روابط ایران و هند در دوره شاه طهماسب و اکبرشاه. شاهنامه شاه طهماسبی، مکتب تبریز دوم

### نتیجه‌گیری

اصلاحات انوشیروان، جزییات مالیات‌ها و نتایج آن از اهم موضوعات مورد توجه پژوهش‌گران بوده است ولی معافیت‌های قوانین نوین مالیاتی و همچنین دیوان جدید برای اجرای اصلاحات مورد غفلت و بی‌اعتنایی قرار گرفته است. از میان گزارش‌های منابع تاریخی کلاسیک اسلامی به این موضوع، برخی به جزئیات بیشتری پرداخته و اطلاعات ارزشمندی ارائه داده‌اند. هرچند روایت‌های فردوسی در رده برترین گزارش‌ها نیست ولی به این دلیل که وی به نرخ‌های مالیاتی، رسم سه قسط، نحوه‌ی ابلاغ اصلاحات و معافیت‌های مالیاتی در جای خود منحصر به فرد است، اما در مورد دیوان جدید بحثی به میان نمی‌آورد. با این وجود، باید گزارش‌های او را درباره اصلاحات مالیاتی، از گزارش‌های مفصل و ارزشمند برشمرد. چون حاوی جزئیات مفید است و مطالبی را که او ارائه کرده است، سایر منابع تاریخی صحت آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. علت اهمیت گزارش فردوسی از دوران فرمانروایی خسرو اول، اطلاعات دقیقی است که وی از اصلاحات ارضی می‌دهد مهم‌تر آن که شامل نامه‌ای است منسوب به او که در آن نکات مهم و دقیقی درباره علت این اصلاحات آمده است.



طرح مبتکرانه اصلاحات و معافیت مالیاتی و اجرای عدالت انوشیروان موجب کاهش فاصله طبقاتی شده بود. به عبارتی تغییر و تحول وضعیت اقتصادی بر وضعیت اجتماعی تأثیر مستقیم گذاشته بود که خود سبب ساماندهی امور مملکت شده بود. به هر حال، فردوسی با نگرشی تاریخی به دوران فرمانروایی انوشیروان به‌ویژه اصلاحات او پرداخته است و او را دادگر و عادل معرفی کرده است و مهم‌ترین رویکرد وی یعنی، ملی‌گرایی، به‌خوبی در این بخش از منظومات او پیدا است. درواقع، انوشیروان با طرح مبتکرانه اصلاحات و معافیت مالیاتی و اجرای عدالت و کاهش فاصله طبقاتی باعث بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی شد. از همه نقل و قول‌ها و اشاره‌هایی که درباره دادگری خسروانوشیروان در متون ایرانی و اسلامی شده است می‌توان اذعان داشت که، اگر چه در عصر او قوانین دقیق و عادلانه اجرا می‌شده است و تا حدودی مجازات را تعدیل می‌نمودند، اما این امر مانع خشونت انوشیروان در اجرای عدالت نمی‌شده است. در کتاب شاهنامه شاه طهماسب نیز در خصوص بهسازی انوشیروان در سیستم مالیات و خراج، به روایت تصویر و خطاطی گزارشی خیلی کوتاه آمده است که در شاهنامه فردوسی هم ذکر آن رفته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مآخذ:

## کتاب‌ها

- آدامووا، ا. ت، گیوزالیان، ل. ت. (۱۳۸۳). نگاره‌های شاهنامه، ترجمه: زهره فیضی، تهران: فرهنگستان هنر.
- آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۴). دفتر خسروان (برگزیده شاهنامه فردوسی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- بلعمی، ابوعلی محمدبن محمد. (۱۳۸۸). تاریخ بلعمی، (تکمله و ترجمه تاریخ طبری) به تصحیح محمد تقی بهار «ملک الشعرا» و به کوشش محمد پروین گنابادی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات زوار.
- بنداری، فتح‌بن‌علی. (۱۹۳۲). الشاهنامه، تصحیح عبدالوهاب، قاهره: مطبعه دارالکتب المصریه.
- دبیرسیاقی، سید محمد. (۱۳۹۶). برگردان روایت‌گونه شاهنامه فردوسی به نثر، چاپ شانزدهم، تهران: نشر قطره.
- دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود. (۱۳۶۸). الاخبار الطوال، ترجمه: دکتر محمود مهدوی دامغانی، چاپ سوم، تهران: نی.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۹۷). فردوسی «زندگی، اندیشه و شعر او»، تهران: نشر سخن.
- زرین‌کوب، روزبه. (۱۳۹۳). «تاریخ سیاسی ساسانیان»، تاریخ جامع ایران، ج ۲، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- شاهنامه شاه طهماسب (هوتون). (۱۳۹۹). ترجمه و پژوهش نشر آبگینه وابسته به نشر رجاء.
- شهبازی، علیرضا شاپور. (۱۳۹۸). تاریخ ساسانیان، ترجمه: بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۶۲). تاریخ طبری، (تاریخ الرسل و الملوک)، ج ۲، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- غفوری، فرزین. (۱۳۹۷). سنجش منابع تاریخی شاهنامه در پادشاهی خسروانوشیروان، تهران: میراث مکتوب.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). شاهنامه، (دفتر هفتم)، به کوشش جلال خالقی مطلق – ابوالفضل خطیبی، چاپ ششم، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۵۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه: رشید یاسمی، چاپ هشتم، تهران: دنیای کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین. (۱۳۸۷). مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسکویه رازی، ابوعلی احمدبن محمد. (۱۳۶۹). تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم، ج ۱، ترجمه: ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.

نولدکه، ثئودور. (۱۳۸۸). تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه: عباس زریاب خویی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نهایه‌الارب فی اخبار الفرس و العرب. (۱۳۷۵). به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انجمن آثار و مفاخر.

هلین برند، رابرت. (۱۳۸۸). زبان تصویری شاهنامه، ترجمه: سید داوود طباطبایی، تهران: فرهنگستان هنر.

یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب. (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

#### مقالات

خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۶). «از شاهنامه تا خداینامه (جستاری دربارهٔ مأخذ مستقیم و غیرمستقیم شاهنامه)»، نامه ایران باستان، شماره ۱ و ۲، صص ۳ - ۱۱۹.

#### منابع لاتین

Bengamin, S.G.W (۱۸۸۸) Persia London, T. fisher unwin.

Gobl, Robert (۱۶۶۶) Die Tonbullen vom Tacht – e Soleiman, Berlin

WELCH, STUART CARY (۲۲۲۲) A Kings Book of Kings, The Shahnameh of shah  
TAHMASP, London, Themes and Hudson.

Widengren, Geo (۱۱۱۱) The Status of the Jews in the Sassanian Empire, Iranica Antiqua, vol. I.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی